



doi 10.22059/jis.2023.355152.1187

Research Paper

The culture of polo players; Analyzing polo game among Iranian people

Abbas Ali. Rezaei Nia¹ | Mahdi Mousavinia² |

1. Corresponding Author, assistant professor, Department of Archaeology, Faculty of Architecture and Art, University of Kashan, Kashan, Iran. E-mail: rezaeinia@kashanu.ac.ir
2. Associate Professor, department of Archeology, Faculty of Conservation and Restoration, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran E-mail: m.mousavinia@neyshabur.ac.ir

Article Info.

Abstract

Received:
2023/02/09

Accepted:
2023/09/26

Keywords:
Iran, intangible cultural heritage, native game, polo, toponymy

A part of the identity and culture of the people of Iran has been preserved in the framework of native and local games. In Iran land, many local and diverse sports are performed in various ceremonies. Among these games that have gained a national aspect in Iranian culture is the game of polo, which has been passed down from one generation to the next and continues to exist. Polo has a high place in Iranian culture. Our understanding of the polo game relies more on historical texts, literature, and artifacts. But the gap that can be seen in this field is the examination of the phenomena and evidence of polo games from the perspective of intangible cultural heritage. Therefore, the purpose of the present article is to know the place, importance, and explanation of the polo match as one of the components of identity in the culture of Iranian people with a descriptive-analytical method. In order to achieve this goal, the game of polo has been considered in various fields of oral traditions, social customs, and performing arts. First, the toponyms that are connected with polo have been checked. Then, the evidence of playing polo among native and local games has been discussed. And it tried to identify the signs of polo and to express its similarities and differences among different regions. The result of the research showed that the polo game was customary not only among the nobles and elders but also among the ordinary people of Iran

How To Cite: Rezaei Nia, Abbas A & Mousavinia, Mahdi. (year). The culture of polo players; Analyzing polo game among Iranian people. *Journal of Iranian Studies*, 14 (2), 117-138.

Publisher: University of Tehran Press.





فرهنگ چوگان بازان؛ واکاوی بازی چوگان در میان مردم ایران

عباسعلی رضائی نیا^۱ | مهدی موسوی نیا

۱. نویسنده مسئول، استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشکده معماری و هنر، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران، رایانامه: rezaeinia@kashanu.ac.ir
۲. دانشیار گروه باستان‌شناسی، دانشکده حفاظت و مرمت، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران، رایانامه: m.mousavinia@neyshabur.ac.ir

اطلاعات مقاله

چکیده

چوگان در فرهنگ ایرانی جایگاه بلندی دارد و از یک بازی صرف، فراتر رفته و با نظام ارزشی و فکری جامعه ایرانی پیوند خورده است. مطالعه و شناخت از بازی چوگان بیشتر متکی بر متون تاریخی، ادبی و آثار هنری است. اما خلأی که در این زمینه دیده می‌شود، بررسی آثار و شواهد بازی چوگان از منظر میراث فرهنگی ناملموس است. از این رو هدف مقاله حاضر، شناخت جایگاه، اهمیت و تبیین بازی چوگان به عنوان یکی از مولفه‌های هویت بخش در فرهنگ مردم ایران با روش توصیفی _ تحلیلی است. برای رسیدن به این منظور، بازی چوگان در زمینه‌های گوناگون سنت‌های شفاهی، رسوم اجتماعی، هنرهای نمایشی مورد توجه قرار گرفته است. نخست جای نام‌هایی که با چوگان پیوند خورده، جستجو شده است. سپس به شواهد بازی چوگان در میان بازی‌های بومی و محلی پرداخته شده است و در ادامه ضمن شناسایی نشانه‌های بازی چوگان، شباهت‌ها و تفاوت‌های آن در بین مناطق مختلف بیان گردید. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد بازی چوگان نه تنها در بین اشراف و بزرگان، محبوب بوده بلکه در میان مردم عادی ایران نیز رواج داشته است. چنان‌که یازده جای نام مرتبط با چوگان و نیز برگزاری آن در مناطق مختلف ایران به دو شیوه سواره و پیاده، نشانه‌ای از پیوند عمیق مردم با این بازی است. بازی چوگان نه تنها به عنوان یک بازی ملی بلکه به عنوان یک عنصر کارآمد فرهنگی در حیات فرهنگی و اجتماعی جامعه ایرانی نقش موثری داشته است.

تاریخ دریافت:

۱۴۰۱/۱۱/۲۰

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۲/۰۷/۰۴

واژه‌های کلیدی:

ایران، میراث فرهنگی ناملموس، بازی بومی، چوگان، جای نام شناسی..

استناد به این مقاله: رضائی نیا، عباسعلی؛ و موسوی نیا، مهدی (سال). فرهنگ چوگان بازان؛ واکاوی بازی چوگان در میان مردم ایران. پژوهش‌های ایران‌شناسی، ۱۴ (۲)، ۱۱۷-۱۳۸.



ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

۱. مقدمه

یکی از حوزه‌های میراث فرهنگی ناملموس آداب و رسوم اجتماعی، آئین‌ها و جشن‌هاست که با مشارکت اکثر اعضای جامعه صورت می‌گیرد و جنبه‌های مختلف هویت تاریخی یک کشور را نشان می‌دهد. بازی‌های بومی و محلی از اشکال متنوع این حوزه به شمار می‌رود. بخشی از هویت و فرهنگ مردم سرزمین ایران در چهارچوب بازی‌های بومی و محلی حفظ شده‌است. بازی‌های بومی بازی‌هایی هستند که تمایل به محدوده خاص جغرافیایی دارند و اغلب "ملی"، "محلی" یا "فولکلوریک" نامیده و از نسلی به نسل‌های بعدی منتقل می‌شوند. وجود بازی‌های بومی گوناگون در جامعه به عوامل مختلف جغرافیایی، روانی و فرهنگی بستگی دارد (رکن‌الدین افتخاری و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۳۶). این بازی‌ها در بطن جامعه ریشه دوانده و بر اساس علائق و امکانات مردم هر منطقه در دوره‌های گوناگون شکل گرفته و رواج یافته‌اند. بازی‌ها همیشه افراد را به سمت نوعی همگرایی سوق می‌دهد. فعالیت‌های ورزشی لایه‌هایی از فرهنگ را به دور خود تنیده‌اند و موجب رشد شخصیت اجتماعی و فرهنگی می‌شوند. بازی‌های بومی و محلی میراث نسل‌های پیشین است و به ارتقا کیفیت زندگی و کارایی مردم کمک می‌کند. همچنین علاوه بر سرزندگی و نشاط جامعه، زمینه حفظ آیین‌ها و رسوم، ارزش‌ها و نمادها را فراهم می‌آورند. بازی‌ها در چارچوب یک فرهنگ و هویت مشخص و اصول پایدار سرزمینی شکل گرفته‌اند و فرهنگ جغرافیایی یک منطقه را نشان می‌دهند (نقوی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۶-۱۱۲).

در سرزمین ایران، بازی‌های بومی و محلی فراوانی وجود دارد که در مراسم‌های مختلف اجرا می‌شوند. از جمله این بازی‌ها که در فرهنگ ایرانی جنبه ملی پیدا کرده، بازی چوگان است که از نسلی به نسل دیگر انتقال یافته‌است و همچنان به حیات خود ادامه می‌دهد. خوشبختانه این ورزش از سطح ملی توسعه داده شده، به ورزشی جهانی تبدیل شده‌است. در سال ۱۳۹۶ این بازی، با عنوان "چوگان، بازی سوار بر اسب همراه با موسیقی و روایت‌گری" به نام ایران در فهرست میراث ناملموس به ثبت جهانی یونسکو رسید. میراث فرهنگی صرفاً به آثار ملموس محدود نمی‌شود و ابعاد پنهان و ناملموس بسیاری را دربر می‌گیرد. میراث فرهنگی ناملموس، بخشی از میراث فرهنگی است که شکل مادی و کالبدی ندارد، از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود و جوامع مدام آن را بازآفرینی می‌کنند (رکن‌الدین افتخاری و همکاران، ۱۳۹۹: ۴۲-۲۴۱). برای تایپ کردن نیم‌فاصله از کلیدهای (CTRL+Shift+2) در حالت صفحه کلید فارسی استفاده شود یا از منوی symbol نیم‌فاصله استاندارد (Shift+Space) تعریف شود.

درباره خاستگاه چوگان نظرهای گوناگونی مطرح شده است (Kim, 2019). بر پایه مدارک تاریخی، بازی چوگان در ایران دست کم نزدیک به دو هزار سال قدمت دارد و همواره مقامی ارجمند در فرهنگ ایرانی داشته‌است. در روایت‌های تاریخی به کرات به بازی چوگان پرداخته شده و نیز تعابیر نغزی از آن در متون

ادبی آمده است. اهمیت، شهرت و فراگیری بازی چوگان سبب شده است تا در سروده‌های شاعران ایران نمود فراوانی در غالب تشبیه و استعاره داشته باشد (بلوکباشی، ۱۳۸۶: ۵۷). بازی چوگان از جمله تفریحات پادشاهان، بزرگان، اشراف و نظامیان در ادوار گذشته بوده است. شاهان ایران از دوران ساسانی تا صفوی چوگان باز بودند. به تدریج این بازی شاهانه از دربار به میان مردم عادی نیز راه یافت و از یک بازی اشرافی به یک بازی عمومی درآمد. نفوذ چوگان در میان طبقات اجتماعی مردم ایران آن را از سطح بازی و سرگرمی بالاتر برده و تبدیل به یکی از مظاهر فرهنگ ایرانی با آداب و نمادهای خاص خود کرده است. این بازی گروهی با بهره‌گیری از ابزاری چون گوی و چوب و به کمک اسبی که برای چوگان تربیت شده است در زمینی فراخ به نام میدان، با اصول و قواعدی برگزار می‌شود. چوگان نه تنها از لوازم دلیری و جنگاوری است، بلکه آیین جوانمردی و نیک منشی را نیز به بازیکنان می‌آموزد. برای مردان حتی غیر نظامیان، گویی چوگان ندانستن یک عیب به شمار می‌آمد (آذرنوش، ۱۳۹۴: ۴۳۴). چوگان یک بازی ملی و سنت فرهنگی ریشه‌دار ایرانی است (غلامی هوجقان و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۴). آموزش ورزش تمام عیار ایرانی چوگان، دست کم در مورد طبقه ویژه‌ای از افراد در دوره ساسانی رایج بود (دریایی و رضاخانی، ۱۳۹۶: ۲۷-۲۶). چوگان مشهورترین بازی ایرانی از آغاز عصر ساسانی تاکنون به شمار می‌رود و چوگان بازی از دوره ساسانی تا زمان‌های اخیر همواره در متون فارسی مطرح بوده است (آذرنوش، ۱۳۷۵: ۲۶-۲۵).

تاکنون پژوهش‌های شایان توجهی در ارتباط با چوگان صورت گرفته است. رویکرد این مطالعات در سه گروه قرار می‌گیرد. بررسی چوگان در متون تاریخی و ادبی، در هنر و در علوم ورزشی از جمله موضوعات مورد پژوهش بوده است (غلامی هوجقان و همکاران، ۱۳۹۵). در این میان معتبرترین پژوهشی که به خاستگاه و سیر تحول تاریخی بازی چوگان پرداخته اثری از آذرتاش آذرنوش با عنوان "تاریخ چوگان در ایران و سرزمین‌های عربی" است (۱۳۹۲). در تمام پژوهش‌های صورت گرفته، موضوعی که بدان توجه نشده است، بررسی چوگان از منظر میراث فرهنگی ناملموس و جستجوی آن در منابع محلی است تا از طریق آن بتوان به نقش چوگان در میان زندگی مردم عادی پی برد. تصور عمومی بر این است که چوگان از جمله بازی‌هایی است که خصوصیت طبقاتی یافته و در انحصار طبقه خاص درآمد است. چنان که این بازی به قشر مرفه جامعه قدیم ایران اختصاص داشت و در میان عامه مردم، به ویژه قشرهای پایین اجتماعی معمول نبود (بلوکباشی، ۱۳۸۶: ۸). چرا که بر پایه گزارش‌های متون تاریخی و ادبی، چوگان به عنوان یک بازی شاهانه معرفی شده (آذرنوش، ۱۳۹۴) و در بیشتر منابع رسمی اعم از روایات تاریخی، دیوان شعرا و نگاره‌ها به چوگان بازی شاهان و اشراف اشاره شده است؛ اما در ارتباط با چوگان بازی میان مردم عادی اشارات اندکی در دست است. درحالی که این بازی همواره در بین تمام اقشار جامعه جایگاهی ویژه و وجه‌ای نمادین داشته است. شناخت ما از این بازی کهن بیشتر بر مبنای متون

تاریخی، ادبی و هنری از زمان ساسانی تا اواخر دوره صفوی است. اما جستجوی چوگان در میراث فرهنگی ناملموس، بخش مغفول مانده مطالعات به شمار می‌رود. این امر از آن جهت اهمیت می‌یابد که از زمان صفوی به بعد از چوگان در منابع مکتوب و رسمی کمتر سخنی به میان آمده‌است. از این رو در مقاله پیش‌رو به جایگاه بازی چوگان در شاخه‌های میراث فرهنگی ناملموس پرداخته می‌شود. بررسی بازی چوگان در چنین فضایی، باب تحقیق تازه‌ای در شناخت عمیق‌تر و نیز درک شکل‌های مختلف آن در بستر بازی‌های محلی فراهم می‌کند. این آگاهی، به حفظ و تداوم ارزش‌ها و هویت تاریخی و فرهنگی جامعه ایرانی یاری می‌رساند. مهمترین پرسش‌های این پژوهش عبارتند از: چه شواهد و نشانه‌هایی از بازی چوگان در حوزه‌های میراث فرهنگی ناملموس وجود دارد؟ نامگذاری چوگان بر مکان‌های جغرافیایی بر چه امری دلالت می‌کنند؟ بازی چوگان در میان مردم ایران چگونه است و چه شباهت ظاهری با هم دارند؟ چوگان به عنوان یک میراث ملی در تحکیم هویت ملی میان اقوام گوناگون ایران چه نقشی داشته است؟ برای شناخت بازی چوگان در فرهنگ عامه ایران ابتدا به جستجوی آن در روایات تاریخی، شیوه زندگی ایرانیان و پیوندشان با اسب و سپس به شناسایی نام‌جای‌های مرتبط با بازی چوگان پرداخته شده و دلالت‌های آن مورد بررسی قرار گرفته‌است. در انتها، بازی چوگان در بین عامه مردم، تفسیر و تحلیل شده‌است.

۲. مبانی نظری

ورزش و رفتارهای ورزشی همیشه تحت تاثیر زمینه‌های فرهنگی، اعتقادات، هنجارها و ارزش‌ها بوده‌است. مارسل موس، ورزش را کنشی فرهنگی دانسته و بر آن است که رفتارهای ورزشی از سنخ رفتارهای فرهنگی‌اند (قاسمیان و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۳۶). بازی‌ها سازگار با فعالیت‌های فرهنگی و آداب و سنن هر جامعه هستند. بازی‌های بومی به جهت انطباق با علائق ذوقی، هنری و فرهنگی جامعه می‌تواند گسترش و عمومیت پیدا کند. بازی‌های بومی به عنوان بخشی از فرهنگ هر ملت، متناسب با وضعیت اقلیمی و فرهنگی هر منطقه بر مبنای فلسفه و منطق خاص طراحی شده‌اند. بازی‌ها در زمره داشته‌های فرهنگی محسوب می‌شوند و برخی از آنها مورد پذیرش جهانی قرار گرفته‌اند (غفوری و همکاران، ۱۳۹۸: ۳-۸۲). بازی‌های بومی و محلی عنصری فرهنگی به شمار می‌روند و در رونق فرهنگ محلی اثرگذار است (نقوی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۱۴). چوگان بخشی از فرهنگ و آداب و رسوم ایرانیان را به نمایش می‌گذارد. چوگان تنها یک بازی نیست، بلکه فرهنگی است که لوازم آن باید هم در درون بازی و هم بیرون آن رعایت شود. به سبب همین جایگاه فرهنگی است که مردم ایران با این بازی و آیین‌های آن آشنایی داشته‌اند (خسروی: ۱۳۹۹: ۲۶۶). بازی چوگان در دو جنبه از فرهنگ، یعنی فرهنگ رسمی و فرهنگ عامه، قابل بررسی است. در پژوهش حاضر، بعد دوم فرهنگ، مدنظر است. خصوصیت

غیر شخصی بودن فرهنگ عامه، موجب انعطاف پذیری این فرهنگ و در نتیجه تحول آن در جریان تاریخ می‌شود. فرهنگ عامه هرگز گرفتار جمود و رکودی که در فرهنگ رسمی جامعه دیده می‌شود نشده، همیشه، تازگی و قدرت سازگاری خود را با شرایط تازه زندگی حفظ کرده‌است. در حقیقت فرهنگ عامه زبان حال جامعه است و این زبان خود به خود با تحول جامعه، دگرگونی می‌پذیرد. همچنین به دلیل ماهیت پویا و شفاهی فرهنگ عامه و انتقال آن از طریق سینه به سینه، ثبت و ضبط مصادیق آن صرفاً ثبت مقطعی از یک امر دائماً پویاست. از سوی دیگر در طول زمان استحکام و استواری خاص خود را پیدا کرده‌است و با شرایط و موقعیت‌های تازه زندگی منطبق شده‌است و بیانگر رفتارها، تجربیات، تفکرات، نیازها و خواسته‌های عامه مردم است. توجه و تکیه به این رویکرد در مطالعه فرهنگ عامه به شناسایی صحیح جامعه کمک می‌کند و مکمل شناسایی فرهنگ رسمی جامعه خواهد بود (خلیقی، ۱۳۸۱: ۱۴۲-۱۳۸).

چوگان در چارچوب فرهنگی برخاسته از سنت‌های ایرانی، ظهور و توسعه یافت و توانست به یکی از شاخص‌های فرهنگی مردم ایران تبدیل شود. بازی چوگان در این بافت فرهنگی، به عنوان یک مولفه مهم، زمینه حفظ و انتقال بسیاری از ارزش‌های جامعه ایرانی را فراهم آورده و در ارتقاء و توسعه فرهنگی نقش داشته‌است. بازی چوگان با تجربه زیسته گذشته تاریخی مردم ایران عجین شده‌است و به عنوان نماد ملی و میراث فرهنگی نیاکان سرزمین ایران مطرح می‌گردد. این امر علاوه بر میراث فرهنگی ملموس و منابع مکتوب تاریخی، با استناد بر میراث فرهنگی ناملموس و سنت‌های شفاهی و هنری نیز تایید می‌شود. چوگان به‌منزله میراث مشترک گذشته، تداوم فرهنگی و تاریخی موجودیت مردم ایران را نشان می‌دهد. فرهنگ چوگان دست کم تا دوره قاجار در جلوه‌های زندگی ایرانیان زنده بوده‌است و به تدریج در دوره معاصر کم فروغ می‌شود. بی‌شک تجدید حیات بازی چوگان می‌تواند پشتوانه راه و رسم‌های زندگی باشد و جامعه از ظرفیت‌های آن بهره‌مند گردد. به تعبیر داریوش آشوری، ملت‌هایی که سنت و سابقه را زیر پا گذاشتند و از آن به عنوان سکوی پرش به مرحله بالاتر استفاده نکرده‌اند، تاریخ خود را باید از نو شروع کنند (آشوری، ۱۳۸۱: ۲۸).

۳. نگاهی گذرا به تاریخچه بازی چوگان در ایران

چوگان از بازی‌های کهن و ملی ایرانی و واژای فارسی از ریشه پهلوی چوپیگان و چوپگان است که بر چوب سر خمیده‌ای اطلاق می‌شود که در این بازی با آن گوی می‌زنند (آذرنوش، ۱۳۹۲: ۱۳). در روایت‌های اساطیری ایران به چوگان بازی شخصیت‌های اسطوره‌ای مانند گشتاسب، سیاوش و رستم اشاره شده‌است. روایات متقن از تاریخچه چوگان در ایران به دوره ساسانی بازمی‌گردد. هرچند از دوران هخامنشی، هیچ اشاره و گزارشی که بر بازی چوگان دلالت کند، به دست نیامده‌است اما طبری روایت

کرده‌است که داریوش سوم برای اسکندر جوان چوگان و گویی به یونان فرستاد. بنابراین می‌توان گفت در زمان هخامنشی، چوگان در ایران رواج داشته‌است و یونانیان نیز از چوگان بی‌خبر نبوده‌اند. متأسفانه نمی‌دانیم طبری در آغاز سده چهارم ق. این روایت را از کجا به دست آورده‌است (همان: ۴۴). برخی از محققان پایه‌گذاری بازی چوگان را از دستاوردهای فرهنگی ساسانیان می‌دانند (دریایی و رضاخانی، ۱۳۹۷: ۱۰). روایاتی از چوگان‌بازی شاهان ساسانی در متون پهلوی و متون اواخر سده سوم و چهارم ق. به دست آمده‌است. از جمله روایت چوگان‌بازی اردشیر نخستین شاه ساسانی که در آن اردشیر در سن ۱۵ سالگی مورد توجه اردوان پنجم پادشاه اشکانی قرار می‌گیرد و از بابک پدر اردشیر می‌خواهد تا او را به درگاه اردوان بفرستد تا با نژادگان درآمیزد و آداب و فرهنگ بیاموزد. هرچند بابک دل خوشی از این دعوت ندارد ولی به دستور شاه عمل کرده و اردشیر را به دربار اردوان می‌فرستد (هاشمی نژاد، ۱۳۸۵: ۳۵).

چوگان‌بازی پس از فروپاشی ساسانیان و حضور اعراب در ایران همچنان ادامه داشت و در بین طبقات مختلف انجام می‌شده‌است. بیهقی در کتاب المحاسن والمساوی از چوگان‌بازی وزیر بزرگ عباسی، فضل بن یحیی برمکی بدین گونه سخن گفته است: "فضل در خراسان کارهای بزرگ کرد؛ از جمله روزی به میدان رفت تا چوگان زند. پس از بازی، دفتر بدهکاری‌های معوقه مردم را به او عرضه کردند و او همه را بخشید" (بیهقی، ۱۳۶۸: ۳۲۷). از چوگان‌بازی در قرون میانه اسلامی روایات زیادی در دست است. در بار مرعشیان مازندران نیز چوگان رواج داشت. میر تیمور مرعشی از بساط شادی و عشرت و چوگان بازی ملک سلطان حسین والی کجور یاد می‌کند (نصری اشرفی، ۱۳۹۲: ۱۴۳۰). اما در دوره صفوی بود که هم کشور پاره پاره ایران وحدت و هویت یافت و هم چوگان - در کنار انبوهی هنر دیگر به اوج خود رسید. به دلیل علاقه شاهان صفوی به بازی چوگان، این بازی همواره در پایتخت‌های صفوی از جمله تبریز، قزوین و اصفهان برگزار می‌شد و به دستور شاهان صفوی میدان‌هایی برای انجام این بازی ساخته شد (آذرنوش، ۱۳۹۲: ۷۶). میدان نقش جهان اصفهان جلوه گاه باشکوه برگزاری بازی چوگان در این دوره است که تا قرن یازدهم هجری نظیر آن به وجود نیامده بوده‌است (خسروی، ۱۳۹۹: ۲۶۶).

گزارش‌های متعددی از ساخت میدان چوگان و برگزاری بازی چوگان در دست است. برای نمونه شاه عباس در لاهیجان (رایینو، ۱۳۷۴: ۳۳۹) و ساری، میدانی برای بازی چوگان ایجاد کرد (منجم یزدی، ۱۳۶۶: ۳۳۵). همچنین در کاشان پنج روز به چوگان بازی مشغول بود (همان: ۲۳۴). این میدان چوگان در محدوده میان باغ شاه قدیم و جدید فین قرار داشت (نراقی، ۱۳۴۸: ۶۵). به دستور شاه عباس به مناسبت پیروزی بر سپاه عثمانی بازی چوگان در قزوین برپایی گردید. تقریباً هر شب، ضمن یک آهنگ خاص نقاره‌خانه، کسانی که به بازی چوگان آشنایی داشتند وارد میدان می‌شدند (دلواله، ۱۳۷۰: ۲۹۱). درست در دوره ای که شاه عباس صفوی اقدام به احیای این کهن آئین ایرانی نمود و در اصفهان مبادرت به ساخت میدان چوگان کرد، بختیاری‌ها نیز میدان چوگان خود را در جوار قلعه

سنگی بنه وار واقع در شهرستان لالی استان خوزستان بنیان نهادند. در دو مکان مزبور محل اسب تازی و گوی بازی بوده که خوانین در آنجا مشغول تاختن و گوی زدن بوده اند (سردار اسعد: ۱۳۹۶، ۱۶۰). پس از دوره صفویه چوگان در ایران به فراموشی سپرده شد و منسوخ گردید. اما سرانجام در اواخر قرن نوزدهم توسط سرگرد سر پرسی سایکس، دوباره وارد ایران شد و در تهران و مشهد بازی شد (Chehabi, & Guttman, 2002: 388).

۴. آداب بازی چوگان

بازی چوگان قدیمی‌ترین ورزش گروهی جهان محسوب می‌شود. چوگان‌بازان در دو دسته مقابل هم بازی می‌کنند. برای این بازی اسب پرورش یافته مخصوص بازی چوگان، گوی بازی، چوب چوگان برای ضربه زدن به گوی و میدان بزرگ مورد نیاز است. اسب مخصوص بازی از این جهت پرورش می‌یابد تا وقتی مقابل مانعی قرار می‌گیرد، خود را در شرایطی قرار دهد تا سوار، چوگان بزند. اسبی که خود را با شرایط چوگان‌باز در میدان تطبیق می‌دهد به راحتی در میدان جنگ نیز حضور می‌یابد. فخر مدبر در کتاب آداب الحرب و الشجاعة قسمتی را به ادب آموختن اسب اختصاص داده‌است. وی برای تربیت اسب چوگان مسیری ترسیم کرده، متشکل از مثلث‌های بدون قاعده به هم پیوسته. اسب باید به تاخت این مسیر را طی کند و بر فراز ساق مثلث، چون به زاویه می‌رسد روی دو پا بچرخد و از ساق دیگر مثلث فرود آید. با وجود این که در متون تاریخی به بازی چوگان از دوره ساسانی تا زمان‌های متاخر اشاره شده‌است، اما تقریباً در اکثر آنها به چگونگی بازی، وسایل و فنون آن و شرایط بازیکنان اشاره‌ای نشده است. عنصرالمعالی در باب نوزدهم قابوس‌نامه که باب چوگان‌زدن نام دارد، به اختصار به ذکر یک نکته می‌پردازد، آن هم تعداد چوگان‌بازان است که باید هشت نفر باشد. دو نفر از دروازه‌ها نگه‌داری کنند و شش نفر در میان میدان گوی بزنند (آذرنوش، ۱۳۷۵: ۶-۲۵). در سده سوم هجری ابن قتیبه دینوری در کتاب عیون الاخبار ۱۵ سطر را به آداب بازی چوگان اختصاص داده و به نحوه گوی‌زدن و راندن اسب، خصلت‌های پهلوانی، مختصات میدان و جایگاه تماشاگران اشاره کرده‌است (آذرنوش ۱۳۹۲: ۱۳۰). به طور کلی دستورهای چوگان‌بازی در عیون الاخبار اشاره از این قرار است که چوگان بازی، فعالیت و تلاش زیادی لازم دارد. چوگان را باید طوری به کار برد که اثری روی زمین نگذارد. شکستن چوگان هنگام بازی نشانه آن است که بازیکن مجرب و ورزیده نیست. نباید هنگام بازی تازیانه به کار برد. باید اسب را در شدت دو آزاد گذاشت. باید خود را از زمین افتادن و بهم خوردن تعادل نگهداری کرد. باید در هنگام بازی از خشم و دشنام دوری کرد و بردبار بود (بهبروز، ۱۳۴۶: ۷۹-۷۸). قاسم گنابادی در سال ۹۴۷ هجری مجموعه‌ای مشتمل بر ۱۵۰۰ بیت در وصف چوگان‌بازی شاه طهماسب اول سروده است. از انبوه استعاره‌هایی که در توصیف چوگان‌بازی شاه طهماسب به کار رفته‌است، هیچ‌گونه اطلاع فنی درباره بازی

به دست نمی‌آید جز این که گویا سر چوب-های چوگان هلالی شکل بوده‌اند، زیرا شاعر آن‌ها را به حرف «ن» و گوی را به نقطه آن شبیه دانسته‌است (همان: ۷۹).

امروزه بازی چوگان به دو شکل انجام می‌شود: ۱. چوگان در زمین‌های کوچک به ابعاد ۵۰×۱۰۰ متر، با توپ‌های بادی، که به چوگان مانژی معروف است. ۲. چوگان در زمین بزرگ به ابعاد ۱۸۰×۲۷۰ متر که ورزشکاران با گوی چوبی یا پلاستیکی به رقابت می‌پردازند. وزن گوی ۱۲۸ گرم و قطر آن $۸/۷۵$ سانتیمتر است. در چوگان مانژی تعداد بازیکنان هر تیم سه نفر و در چوگان زمین بزرگ، بازیکنان هر تیم چهار نفر است. معمولاً بازی در زمین بزرگ از ۶ چوکه (یک دوره زمانی از بازی) تشکیل شده‌است و هر چوکه معادل ۷ دقیقه است (ابراهیمی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۵۶۸). میدان چوگان معمولاً به شکل مستطیل است. قسمتی از وسط دو سوی میدان که با میله محدود می‌شود، دروازه قرار می‌گیرد. هر بازی معمولاً دو داور سواره دارد. در صورت بروز اختلاف بین داوران سواره، اجرای رای داور سومی که در کنار بازی نشسته، قطعی است. فرد یا افرادی هم که گذشتن گوی از درواز را با بلندکردن پرچم اعلام می‌کنند، داور دروازه نام دارند و در کنار و خارج دروازه می‌ایستند (ابراهیم پور، ۱۳۵۳: ۲۳-۲۱). فرض این است کسی که داوطلب آموختن چوگان می‌شود سواری را در سطح عالی آموخته‌است. سوار چوگان باز باید هوشیار باشد، نرمش و تحرک بیشتری روی زمین داشته باشد. حرکات به چپ و راست، استقامت روی زمین موقع تنه خوردن و خم شدن برای ضربه را به خوبی تحمل نماید. طول چوب برای گوی زدن را به نسبت بلندی و کوتاهی اسب و وضع نشست و عادت سوار انتخاب می‌کنند. معمولاً از چوب نرم و نازک برای چوگان استفاده می‌شود و سرچوب نیز قطر کم دارد و هر قدر زاویه آن از ۹۰ درجه بزرگتر باشد، بهتر است. همچنین برای گوی زدن ۱۲ نوع ضربه وجود دارد (همان: ۵۰-۴۵).

۵. بازشناسی بازی چوگان در میان مردم ایران

بازی و سرگرمی ریشه در خواست‌ها و تمایلات انسان‌ها دارد. بازی مرزهای سن، جنس، موقعیت اجتماعی، پایگاه اقتصادی و اجتماعی را درهم می‌شکند. نه شهری بودن اهمیت دارد، نه روستایی و ایل نشین بودن. گستردگی و گوناگونی آنها نشانگر ژرفا و غنای فرهنگی جوامع تلقی می‌شود (قزل اباغ، ۱۳۷۹: ده). وابستگی مورخان به مراکز قدرت و پرداختن آنها به زندگی و سرگرمی‌های اشراف، سبب شده‌است کمتر از زندگی مردم عادی سخن به میان آید اما پرداختن به سرگرمی‌ها و بازی‌های مردم عادی به معنای جریان نداشتن آنها در میان مردم نبوده‌است (کریمی‌چمه ۱۳۹۳: ۴-۶۳).

در کنار گزارش‌های متعددی که از چوگان بازی امیران و بزرگان در متون تاریخی آمده‌است؛ روایت‌های اندکی نیز از بازی چوگان در میان مردم ذکر شده‌است. بنا بر روایت کتاب التاج منسوب به جاحظ، در زمان ساسانی بازی‌هایی مانند چوگان و شطرنج، هیچ تفاوتی میان شاه و رعیت وجود نداشت و در چوگان

سوارکار می‌توانست بدون ترس چوگان یا اسب خود را جلوتر از پادشاه به حرکت درآورد (آذرنوش، ۱۳۹۴ ج. ۳: ۴۳۰). بر اساس گزارش حسن قمی در اوایل قرن دوم هجری گروهی از دیلمیان جبال، پیوسته به روستاهای ابرشتجان قم هجوم می‌آوردند. آنها معمولاً نوروز را برای حمله انتخاب می‌کردند، زیرا «معلوم داشتند که در این روز، مردم به کدو زدن و لهو و لعب و گوی بازی کردن مشغول باشند» (قمی، ۱۳۸۵: ۲۴۸). این روایت نشان می‌دهد بازی چوگان به دربارها و خاندان‌های بزرگ اختصاص نداشته‌است، بلکه توسط مردم نیز برپا می‌شد (آذرنوش، ۱۳۹۴ ج. ۳: ۴۳۲). حتی امیر ابرشتجان در روزهای نوروز با مردم شهر چوگان بازی می‌کرد (قمی، ۱۳۸۵: ۲۴۴). روایتی در تاریخ سیستان در خصوص امیر احمد صفاری آمده که نشان می‌دهد چوگان، صرفاً بازی شاهان نبوده‌است بلکه همه سربازان سواره به طور طبیعی یا به اجبار به آن می‌پرداختند (کریمی‌چمه، ۱۳۹۳: ۶۵).

به‌رغم دیرینگی و شهرت بازی چوگان، اطلاعات اندکی از آن در میان مردم عادی وجود دارد. با این وجود هنوز هم شواهد بازی اشرافی مانند چوگان را می‌توان در زندگی مردم عادی دید. چوگان به تدریج در زمره بازی‌های عمومی درآمد و در میان مردم رواج یافت. تصویر چوگان‌بازان در ظروف و اشیاء فلزی و سفالی سده‌های میانی اسلامی به چشم می‌خورد (اولد، ۱۳۸۸: ۲۰۳، ۱۹۲). همچنین از دوره صفوی، دیوارنگاره‌های چوگان از کاروانسرای گنجعلیخان کرمان و خانه پیرنیا در نائین شناسایی شده‌است (ضیاء‌الدینی دشتخاکی و تاج‌الدینی، ۱۳۹۸). امروزه در کارگاه‌های صنایع دستی اصفهان نیز پارچه‌های قلمکار کرباس برای تهیه پرده، سفره، رومیزی، تشک و لحاف با طرحی از بازی چوگان تزئین می‌شوند. همچنین نقش صحنه‌های بازی چوگان بر تابلوهای نقاشی، مینیاتور، خاتم، آثار قلم زنی، تابلو فرش و فرش و پرده‌های نقاشی قهوه‌خانه‌ای از موضوعات مورد علاقه هنرمندان به شمار می‌رود. جایگاه فرهنگی و نفوذ بازی چوگان در ادبیات عامیانه نیز برای مردم بسیار ملموس و آشناست؛ در این زمینه مثالی چون «این گوی و این میدان» به وجود آمده‌است (نورایی و غفاری، ۱۳۹۲: ۸). این مثل در مواردی به کار می‌رود که بخواهند انجام کاری یا فرصتی در اختیار کسی قرار دهند. مثل دیگر، دانا به اشاره ابرو کار کند و نادان به زخم چوگان (ابراهیمی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۳۶۵). در اشعار فردوسی، سعدی و نظامی کنایاتی درباره چوگان وجود دارد که زبانزد بوده‌است. گوی از آب برداشتن: نشانه چیره‌دستی و استادی، به چوگان افتادن: به معنای گرفتار شدن، در خم چوگان کسی یا چیزی بودن: گرفتار قدرت کسی بودن، گوی در چوگان کسی افکندن: او را به مراد رساندن، گوی بردن: پیروز شدن و پوست کسی را به چوگان دریدن: کسی را تا سرحد مرگ زدن (ابراهیمی کوهبنانی و ابراهیمی کوهبنانی، ۱۳۹۴: ۱۲۱؛ رزاقی و همکاران، ۱۳۹۴؛ علیزاده‌خیاط و رمضانی، ۱۳۹۵).

در دوره صفوی غیر از سواران قزلباش، مردم ولایات مختلف به خصوص شمال ایران در چوگان بازی، مهارت زیادی داشتند. چنانکه جلال‌الدین محمد منجم از پیروزی مازندرانیان در چوگان بازی و سفرنامه

دن گارسیا فیگوئرا از گردهمایی روز جمعه برای تماشای بازی چوگان در شیراز روایت می‌کنند (خسروی، ۱۳۹۹: ۲۵۵). بنابراین چوگان بازی، اختصاص به دربار و بزرگان نداشت و همه اقشار جامعه این امکان را داشتند تا چوگان بازی کنند. در داراب نامه اشاره شده است که عامه مردم در نقش چوگان‌باز یا گروه تماشاچیان در این بازی سهیم بودند و مشارکت داشتند (طرسوسی، ۱۳۵۶: ج ۱: ۳-۴۲). همچنین شاهان صفوی اجازه می‌دادند تا مردم از زن و مرد به تماشای چوگان بنشینند. تاورنیه نیز به آموزش و کسب مهارت بازی چوگان در بین جوانان در کنار تیراندازی و شکار اشاره کرده است (خسروی، ۱۳۹۹: ۶-۲۵۴). اسب در طول تاریخ ایران جایگاه مهمی در زندگی ایرانیان داشته است. اوستا مقام بلندی برای اسب قائل شده و آن را همسنگ مرد دلیر و از نعمت‌هایی شمرده که از ایزدان درخواست می‌کرده اند. اسب در زمره دارایی‌های خواستی بوده است. پارسیان، اشکانیان و ساسانیان همواره بر آموزش سواری تاکید داشتند. نام بسیاری از قهرمانان با کلمه اسب ترکیب شده است. ساسانیان اسب را برترین جانوران می‌دانستند. کیکاوس فرمانروای زیاری در اندرز به فرزند خود در قابوسنامه آورده است جوهر اسب و آدمی یکی است (شاپور شهبازی، ۱۳۷۶). پیوند و وابستگی ایرانیان به اسب موجب شد تا خلاقانه، هنرمندانه و با ظرافت آن را در بازی چوگان به خدمت بگیرند. گویی اسب و سوار در جریان بازی یکی می‌شوند و هنرنمایی می‌کنند. از این رو بازی چوگان در پوست و خون مردم ایران ریشه دوانده است و عنصری بیرون از زندگی آنها نبوده و کاملاً در بطن جامعه جریان داشته است. به همین دلیل است که مورد استقبال عامه مردم قرار داشت و به طور پرشوری برگزار می‌گردید. در هر نقطه‌ای که پرورش اسب مرسوم بوده، مانند مناطق سکونت اقوام بختیاری، لر، کرد، ترکمن، قشقایی و لک، چوگان نیز رواج داشته است. در این مناطق مردم و سران قبایل و بزرگان در مناسبت‌های خاص مانند نوروز و عید فطر، چوگان بازی می‌کردند (کریمی‌چمه، ۱۳۹۳: ۶۴). اسب مهم‌ترین دارایی خانواده‌های کرد به شمار می‌آمد و هر خانواده حداقل یک اسب نر زیبا و خوش اندام داشته است. اسب کرد یکی از سر شاخه‌های اصلی نژاد اسب‌های کهن ایران و جهان است که بعضی منابع از آن با نام اسب نسایی یاد کرده‌اند. در زمین‌های چوگان ایران معمولاً از اسب کرد استفاده می‌شده است، زیرا چوگان بازان ترجیح می‌دهند سوار بر اسبی شوند که قوی، سریع و جمع و جور یا به اصطلاح کرده مال باشد (ابراهیمی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۵۵۴). چوگان‌بازی همیشه در مراسم نوروزی و جشن‌ها و آیین‌های گوناگون در بین اقوام ایرانی رواج داشته است. واژه گوباز در میان بختیاری‌ها به معنای چوگان‌باز است. این صفت را به شخصیت‌هایی می‌دهند که شگرد خاص در بازی چوگان دارند و بتوانند در هر فرصتی گوی را از رقیب خویش برابند. مردم نقاط مختلف ایران به دلیل شور و نشاطی که در بازی چوگان وجود دارد و برای آنان یادآور خاطرات شیرین زندگی‌شان است نقش و نمادهای این بازی را در انواع صنایع دستی بافته‌اند (ابراهیمی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۳۰۵).

با گذشت زمان و آمد و رفت نسل‌ها و دگرگونی در نظام‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی

جامعه، نام و شیوه بازی‌ها تطور می‌یابند، تغییر می‌کنند یا به طور کلی از میان می‌روند و فراموش می‌شوند و بازی‌های دیگر جای آن‌ها را می‌گیرند. نام شماری از بازی‌های کهن در سرزمین ایران به صورت گویش‌های گوناگون و عمدتاً همراه با شرح و توصیفی کوتاه و فشرده و ناقص در فرهنگنامه‌ها و برخی نوشته‌های تاریخی و ادبی ثبت و ضبط شده‌است. گویا و رسا بودن تعریف و شرح بازی‌ها در این منابع چند علت دارد از جمله ناآشنایی احتمالی فرهنگنامه نویسان با بازی و نداشتن تجربه شخصی درباره بازی‌ها و سرانجام بازنویسی کردن شرح و چگونگی بازی‌ها از روی نوشته‌های پیشین و یکدیگر بدون تحقیق و تعمقی درباره شکل و شیوه بازی‌های ثبت شده‌است (بلوکباشی، ۱۳۸۶: ۸).

چوگان در گذشته به روش‌های گوناگونی بازی می‌شده‌است. احتمالاً برخی از رشته‌های ورزشی نیز که امروزه با توپ و راکت انجام می‌شود از زیر شاخه‌های چوگان به حساب می‌آیند. طباطبای یا تمثاب که نوعی چوب پهن بود که با آن گوی می‌زدند (شکل اولیه بیسبال و کریکت)، گوی زدن (در حالت پیاده مانند هاکی امروزی)، پهنه باختن (نظیر چوگان بازی و گوی بازی است) (راوندی، ۱۳۶۹: ۱۴). راوندی به نقل از ابن سینا در کتاب قانون، به چوگان بازی با گوی بزرگ و کوچک اشاره کرده‌است (۱۵: ۱۳۶۹) اما توضیحی در باره آنها نداده‌است. بازی چوگان در عمل به دو شکل سواره و پیاده توسط کودکان و نوجوانان انجام می‌شده‌است. متفرعاتی چون ورزش‌های امروزی، گلف، کریکت، بیسبال و انواع هاکی از چوگان پیاده و چوگان سواره که امروزه انجام می‌شود از چوگان ایرانی منشعب شده‌اند (راوندی، ۱۳۶۹: ۱۵). به نظر دبیرسیاقی نیز چوگان در گذشته به دو گونه صورت می‌گرفته‌است. یک نوع آن که هم اکنون متداول است اما نوع دیگر آن بازی، پهنه (تخته گوی بازی) یا طباطبای (به تازی) نام دارد. به احتمال چنان بوده‌است که گوی را به بالا پرتاب می‌کرده‌اند و چوگان باز سوار بر اسب، با وارد آوردن ضربه، گوی را به سوی بالا روانه می‌ساخته‌است و به هنگام فرود آمدن آن، پیش از رسیدن به سطح زمین، ضربه دیگری بدان می‌نواخته تا به هوا بالا رود و این عمل را به دفعات تکرار می‌کرده‌است تا سر انجام گوی را در هوا به دورازه حریف که حال نامیده می‌شده‌است برساند. در فرهنگ‌ها، طباطبای را به این صورت تعریف کرده‌اند: " طباطبای چوگانی است که سر آن کفچه سازند و گوی در آن نهند و بر هوا افکنند و چون به فرود آمدن رسد باز طباطبای بر او زنند، همچنین نگذارند که بر زمین آید تا از حال نگذارند" گویند (۱۳۷۵).

در مناطق مختلف ایران بازی چوگان با نام‌های متفاوت و با ویژگی‌های بومی محلی انجام می‌شود، اما ماهیت همه آنها مشترک است. چوگان به عنوان یک پدیده فرهنگی در طول زمان و شرایط محیطی گوناگون در معرض تبادل و تغییر بوده‌است. به نظر می‌رسد با روایت‌های گوناگونی از بازی چوگان مواجه هستیم که در هر منطقه‌ای مقتضیات خاص خود را یافته‌است. نمونه چوگان پیاده، بازی با نام هه‌چان است که در کرمانشاه رواج دارد. در آن چوبی دراز مانند گرز و از سنگی مدور یا نمدی توپ مانند به عنوان وسیله بازی استفاده می‌کنند. هدف در این بازی سوراخی است که توپ باید در آن وارد شود. مشابه بازی هه‌چان اما با قواعد کمی متفاوت با نام‌های ازبک چور و گوگ‌چمبه در قوچان بازی می‌شود

(ورفی نژاد ۱۳۹۴، ۳۷). در اشنویه آذربایجان نیز بازی چوگان با نام گوبنه رواج دارد (کاشف، ۱۳۷۸: ۶۱). در گذشته نوعی از چوگان بازی در منطقه کهگیلویه و بویر احمد با نام چوگوی مرسوم بوده است. بدین صورت افراد سواره با چوب دستی خود به نحوی ضربه به گوی وارد می‌کردند که از بالای سر سایرین حرکت می‌کند هر گروه بتواند توپ را بگیرد برنده می‌شود (نصری اشرفی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۴۳۰). در بین اهالی کاشان، آران و بیدگل، نائین، یزد، آباده فارس و مازندران یک نوع بازی با چوب و توپ رایج است که به بازی چفته، گوی بازی، تاویزی و تب چو معروف است. این بازی‌ها شبیه بیسبال و کریکت است. عنصر مشترک این بازی‌ها استفاده از توپ و چوب و تلاش بر سر تصاحب و مهار گوی و از میدان به در کردن حریف است. گوی یا توپ بازی را یا به هوا پرتاپ می‌کنند (به ضرب یا گرفتن) و یا روی زمین می‌غلطانند. اما نکته مبهمی که درباره بازی پرتفردار چوگان وجود دارد آن است که در گذشته قطعا افراد و مشاغلی برای اجرای این بازی خدماتی ارائه می‌دادند و یا لوازم و ابزار بازی مانند چوب و گوی را فراهم می‌کردند که مورد تقاضای چوگان بازان بود اما متأسفانه اطلاعاتی در خصوص دانش بومی، فنون و مهارت ساخت آنها در دست نیست. شاید چوگانی و چوگان‌گری و چوگان‌داری از حرفه‌های فراموش شده باشد.

موسیقی نقش بسزایی در شور و جذابیت بازی چوگان داشته است. چنان که از شاهنامه فردوسی نیز بر می‌آید چوگان با موسیقی و صدای سنج و کوس و کرنا بازی همراه بوده است (ابراهیمی کوهبنانی و ابراهیمی کوهبنانی، ۱۳۹۴: ۱۲۳). در آثار هنری ایران، به ویژه در هنر نگارگری، صحنه‌های مختلفی از بازی چوگان به تصویر کشیده شده است که نوازندگان در حال نواختن موسیقی هستند. در بازی چوگان اغلب از سازهای بادی و کوبه‌ای مانند دهل، کرنا و سرنا استفاده می‌شد که از حجم بالای صدا برخوردار بودند. بدین ترتیب صدای ساز نوازندگان در هر نقطه‌ای از میدان که بودند به گوش مخاطبین و بازیکنان می‌رسید. نوازندگان در بازی چوگان علاوه بر ایجاد شور و هیجان و شادی برای تماشاگران، بازیکنان و حتی اسب‌ها، در موقعیت‌های مختلف به وسیله موسیقی، نقش گزارشگر یا داور را نیز بر عهده داشتند. آن‌ها با تند و کند کردن ریتم موسیقی و استفاده از مقام‌های شاد یا حماسی، خصوصا در مواقع حمله بازیکنان به دروازه حریف یا موقع گل‌زدن، تماشاگران و بازیکنان را به وجد می‌آوردند. با توجه به تنوع قومی ایران به طور حتم سازها، مقام‌ها و گوشه‌های به کار رفته در موسیقی چوگان از تنوع و گستردگی زیادی برخوردار بوده است. چلبی در شرح چوگان بازی در کردستان می‌نویسد: «در هر طرف میدان، یک ستون سنگی یک پارچه قرار دارد. در هر دو طرف، صدها سوار چوگان به دست می‌ایستند، در وسط میدان، یک گوی چوبین به اندازه جمجمه انسان قرار داده شده است و با نواخته شدن ناگهانی دهل و سرنا، از هر طرف، یک سوار، چهار نعل به توپ حمله می‌کند» (چلبی: ۱۳۶۴، ۱۲۶). در میان کردهای ایران هنوز هم به چوب سرکجی که با آن دهل می‌نوازند گوچان می‌گویند (همان: ۳۵۴). همچنین چوبی

که برای نواختن دهل به کار می‌رود به چوگان هم معروف است. در موسیقی محلی کردستان، لرستان، بلوچستان، خراسان و قشقای‌های استان فارس هنوز هم از سازهای قدیمی استفاده می‌شود که طی هزاران سال در بازی چوگان مورد استفاده بوده‌است. متأسفانه از جزئیات مقام‌ها، آهنگ‌ها و یا سازهای احتمالی دیگری که در بازی چوگان استفاده می‌شد، آگاهی چندانی در اختیار نداریم. شاید خارج شدن بازی چوگان از چرخه زندگی مردم طی سده‌های اخیر دلیل این امر باشد. اما با توجه به غنای موسیقی اقوام ایرانی که در مراسم‌ها و مناسبت‌های مختلف زندگی از آن بهره برده شده‌است؛ دور از ذهن نیست حضور پر رنگ موسیقی را در بازی چوگان تصور کنیم و مقام‌های حماسی که پهلوانی، شجاعت و دلاوری را تداعی می‌کنند، انتظار داشته باشیم. همراهی حرکات ورزشی با موسیقی در آثار مکتوب سده هجدهم و نوزدهم میلادی یاد شده‌است. به طوری که نواختن ساز ضرب در هنگام مسابقه کشتی، مشت زنی و نواختن ساز قوشمه و سرنا در کشتی باچوخه بخش مهمی از مسابقه بوده‌است (غفوری و همکاران، ۱۳۹۸: ۸۴-۸۳).

ردپای چوگان را نه تنها در موسیقی، بلکه در هنرهای نمایشی نیز می‌توان یافت. یکی از گوشه‌های منسوخ شده تعزیه در نسخ تعزیه، مجلس "تعزیه چوگان بازی" واقعه راس القاسم به دار یزید است. نویسنده نسخه تعزیه در توصیف شقاوت سپاهیان یزید سر حضرت قاسم را به گوی چوگانی تشبیه نموده که سپاهیان بر اسب با چوب و نیزه بر آن کوفتند تا راس آن حضرت را به بارگاه یزید رسانیدند (نصری اشرفی و همکاران: ۱۳۹۲، ۱۴۲۳). چوگان در طومار نقالان نیز حضور دارد. نقالان روایت بازی چوگان را که برگرفته از داستان‌های حماسی و پهلوانی است با آواز و لحنی دلنشین برای مردم بازگو می‌کنند.

۶. نام جاهای مرتبط با چوگان

جای‌نام‌ها یا نام‌های جغرافیایی بخش مهمی از میراث فرهنگی به شمار می‌روند که به تاریخ زنده شهرت یافته‌اند (باستانی راد و مردوخ، ۱۳۹۲: ۲۲). نام‌های جغرافیایی چوگان ریشه عمیقی در فرهنگ ایرانی دارد. چوگان در میان اقوام و مناطق مختلف سرزمین ایران مورد توجه بود و بازی می‌شد. نام‌گذاری برخی از روستاها و مناطق ایران تحت عنوان چوگان، دلالت بر اصالت و دیرپایی این بازی در سرزمین ایران دارد. وضع جای‌نام‌ها توسط مردم در نواحی گوناگون می‌تواند در ارتباط با رونق بازی چوگان در این مناطق و یا به نحوی نشانگر آشنایی و علاقه ساکنان این مناطق به بازی چوگان باشد. همچنین احتمال دارد ناشی از عوامل طبیعی و محیطی شکل توپوگرافی محل‌ها باشد که تداعی‌کننده ابزار بازی چوگان بوده‌اند و در نامگذاری محل تاثیر داشتند. بررسی انجام‌گرفته روی نام‌های نشان می‌دهد نام چوگان پربسامد بوده، بر یازده منطقه ایران نهاده شده‌است و تقریباً در گستره‌ای وسیع از شمال تا جنوب و از شرق تا غرب ایران را پوشش می‌دهد. این مناطق عبارتند از: ۱. روستای چوگان از توابع بخش مرکزی

شهرستان خمین در استان مرکزی. ۲. روستای چوگان از توابع بخش خنجین شهرستان فراهان در استان مرکزی. ۳. شهرکامو و چوگان از توابع بخش قمصر شهرستان کاشان. ۴. روستای چوگان از دهستان وفس عاشقلو در بخش رزن شهرستان همدان. ۵. روستای چوگان از توابع بخش مرکزی شهرستان سنقر کردستان. ۶. دره معروف به تنگ چوگان در شمال شهر ساسانی بیشاپور، در شمال شهر کازرون. سه روستا به نام چوگان علیا، وسطی و سفلی در تنگ چوگان قرار دارند. وجود شش نقش برجسته از شاهان ساسانی در این دره و قرارگرفتن تندیس معروف شاپور اول ساسانی در غار (شاپور) مشرف بر این تنگه و نزدیکی به شهر ساسانی بیشاپور، گواه اهمیت این تنگه برای پادشاهان ساسانی و احتمالاً انجام بازی چوگان در آن است. ۷. روستای چوگانلو از دهستان بهی شهرستان در استان آذربایجان غربی ۸. روستای چوگانلو از دهستان چاراویماق در بخش مرکزی شهرستان چاراویماق استان آذربایجان شرقی ۹. روستای چوگان از دهستان عربخانه بخش شوسف شهرستان نهبندان در استان خراسان جنوبی. ۱۰. روستای چوگانلو از بخش مرکزی دهستان شاه جهان شهر شهرستان فاروج در استان خراسان شمالی. ۱۱. روستای چوگانلو در دهستان تکمران بخش سرحد شهرستان شیروان در استان خراسان شمالی.

چنان که ملاحظه می‌شود چوگان، در اکثر مناطق و مکان‌های جغرافیایی رایج و بازی مشترک اقوام و قبایل مختلف ایرانی بود. این بازی نشان‌دهنده اشتراکات و پیوندهای عمیق فرهنگی در بین مردم بود. به رغم تنوع قومی و فرهنگی و تحولات گوناگون جامعه ایران، این بازی در سطح محلی، منطقه ای و ملی با شور و هیجان اجرا می‌شد. به نظر می‌رسد مناطق ذکرشده دست کم به محل برگزاری چوگان اشاره دارند و احتمالاً فضاهای باز، میدان‌گاه‌های وسیع و زمین‌های مسطح و مناسبی برای انجام بازی چوگان داشتند. میدان‌های چوگان محل تفریح و سرگرمی و اجتماع مردم برای تماشای بازی چوگان و لذت بردن از مهارت و چالاکی چوگان‌بازان بوده است. نامگذاری نواحی جغرافیایی به نام چوگان، که همچنان در اذهان و حافظه تاریخی مردم باقی مانده گویای نقش و اهمیت چوگان در زندگی مردم ایران است و احیای دوباره بازی چوگان در غالب گردشگری چوگان در این محل‌ها نقش مهمی در حفظ این میراث ارزشمند ایفا خواهد کرد. تکرار نام مکان‌های رایج در پهنه جغرافیایی ایران، گواه تداوم فرهنگی و ماندگاری آنهاست. تکرار برخی از نام‌ها در مکان‌های گوناگون از آن رو اهمیت دارد که نگاه کلان فرهنگی در خصوص گستره فرهنگی ایران زمین را غنا می‌بخشد (باستانی راد و مردوخی، ۱۳۹۲: ۳۰).

البته آبادی‌های دیگری نیز وجود دارند که نام چوگان بر خود ندارند اما بازی چوگان در آنجا از شهرت برخوردار است. چنان که چوگان از بازی‌های رایج در روستای قورتان از توابع بخش مرکزی شهرستان

ورزنه استان اصفهان به شمار می‌رود و مردم این روستا در آن چیره‌دست‌اند. در بین اهالی روستای خونان از توابع شهرستان بویین زهرای قزوین نیز از قدیم تا به امروز چوگان بازی می‌شود. دروازه‌های سنگی چوگان مربوط به دوره صفویه، از روستای دهانار آذربایجان هم به دست آمده‌است (ابراهیمی‌نژاد، ۱۳۹۵:۳۶۵). از منطقه خلیل آباد الیگودرز، میله‌های سنگی دروازه‌های چوگان مربوط به دوره صفوی شناخته شده‌است. همچنین در میان طوایف ترکمن صحراء بازی چوگان رایج بوده‌است و طایفه‌ای از طوایف یار علی استرآباد به نام چوگان وجود دارد (میرزا ابراهیم، ۱۳۵۵:۲۹۵) ذکر نام طایفه چوگان، در سنگ قبر شماره ۴ موزه سنگ استرآباد نیز آمده‌است (ستوده، ۱۳۸۵، ۱۲۴). تا صد سال قبل نیز در ناحیه خراسان بازی چوگان همچنان برپا بود. در بیابان جنوبی شهر و نزدیک یخچال‌ها، زمین باز و بزرگی بود که نظامیان در آن چوگان بازی می‌کردند و به خصوص در جشن‌ها دو دسته سوارکار چوگان‌باز با هم مسابقه می‌دادند (رضایی، ۱۳۸۱، ۹۳). ملاحظه می‌شود مناطقی که نام و نشانی از چوگان دارند تعامل میان انسان با زیست بوم را نشان می‌دهند. به این نحو که در نامگذاری مناطق و برپایی میدان‌های بازی چوگان از ظرفیت‌های محیطی بهره برداری شده‌است و از سوی دیگر نقش بازی چوگان در میان مردم و رفتارها و مناسبات اجتماعی آنها، بعد و نسبت دیگر این رابطه است. این دو عامل در فهم منظر فرهنگی مناطق مورد بحث موثر است و به موجودیت آنها معنا می‌بخشد.

۷. چوگان و نسبت آن با فرهنگ ایرانی

در ایران باستان فعالیت‌های ورزشی یک رفتار دینی به شمار می‌آمد (غفوری و همکاران، ۱۳۹۸: ۸۴). بازی‌های بومی در فرهنگ ملی هر کشور ریشه دارند و یکی از شاخصه‌های فرهنگی‌اند که حاصل تلفیق شرایط زیست محیطی با باورهای قومی این مرز و بوم هستند (قاسمیان و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۳۳). بازی بومی و ملی چوگان برآمده از دل تاریخ و فرهنگ ایران است. بر پایه مدارک و شواهد ارائه شده در بخش‌های پیش‌گفته، بازی چوگان در گستره وسیعی از سرزمین ایران و در میان اکثر اقوام به اشکال گوناگون انجام می‌گرفت. این بازی از گذشته‌های دور در ذهن و جان مردم رسوخ کرده و در زندگی مردم جایگاه ویژه‌ای یافته‌است. چوگان در ادوار و مناطق مختلف توانسته‌است حلقه پیوند، همدلی و میراث مشترک مردم ایران و نیز پاسبان بخشی از فرهنگ و آداب و رسوم کهن ایران باشد. چوگان به عنوان یک میراث معنوی، از نسلی به نسل دیگر انتقال یافته‌است و زبانی شد برای بیان تمایلات، شادی‌ها و تمام مفاهیمی که برای هر ایرانی مطلوب و خواستنی بود و می‌توانست آن را در چوگان بیابد. از این رو چوگان اهمیت و مقامی فراتر از تفنن و سرگرمی پیدا کرد و ارزش آن در سایر هنرها مانند شعر، موسیقی و هنرهای تجسمی نیز تبلور یافت. به نظر می‌رسد ارزش و معنای نمادین آن این است که در نظر ایرانیان، بازی چوگان، نشانی از کمال مطلوب و حد‌اعلای فضایل قومی، جوانمردی، پاسداشت اخلاق با

اهداف تربیتی، اثبات شایستگی و آرمان ملی است. همچنین شهرت، مقبولیت و محبوبیت آن سبب شده برای فهم دیگر عناصر فرهنگی برای مثال در آثار ادبی، از تعبیر و مضامین مرتبط با چوگان استفاده و نمادپردازی شود. گو اینکه ایرانیان از این طریق خواسته‌اند تصویر ستایش آمیزی از خود بسازند تا جنبه‌های ممتاز و پسندیده فرهنگ خود را عرضه کنند.

چوگان شاه بازی‌ها بوده‌است. شاه در میدان چوگان مهمانش را می‌نوازد، دشمنش را خوار می‌کند، برتری خود را به اثبات می‌رساند و حتی اصالت و مردانگی اطرافیانش را محک می‌زند. میدان چوگان صحنه‌ای است برای هنرنمایی و ابراز شایستگی بزرگان به دیگران، دیگرانی که ناظر و تماشاچی این هنرها و شاهد این توانمندی‌ها هستند (نجفی و شکوری، ۱۳۹۹: ۱۲۳).

از منظر دیگر، فارغ از اینکه ایرانیان چگونه مردمانی بوده‌اند و چه خصوصیات و آرمان‌هایی داشته‌اند. میدان‌های متعدد چوگان در مناطق مختلف ایران، شاهدهی است بر اشتیاق عامه مردم که اگر چوگان‌باز نبودند، دست کم دوستدار چوگان بودند و به مناسبت‌های مختلف به تماشای آن می‌نشستند. میدان چوگان عرصه اجتماع مردم بود. حضور و مشارکت مردم از گروه‌های قومی و فرهنگ‌های متفاوت و فعالیت در این بازی گروهی، همگرایی، انسجام و تعاملات اجتماعی را تقویت می‌کرد. همچنین در مقاطع مختلف تاریخی در کنار شرایط زندگی و لزوم مهارت‌آموزی و آمادگی در جنگاوری، پرداختن به چوگان، گواهی بر درجه رفاه و نشاط جامعه در گذران اوقات فراغت در میان همه مردم بوده‌است. فعالیت‌های تفریحی و ورزشی، محلی برای نمایش قدرت، شجاعت و از اشتراکات فرهنگی میان اقوام ایرانی است. از سوی دیگر علاقه ایرانیان به حیوانات، به ویژه رابطه با طبیعت و اسب در بازی چوگان، بسیار برجسته و ممتاز است. نمایش اسب و سواران در هنر ایرانی سابقه‌ای طولانی دارد. نقشمایه‌های فراوان اسواران نشان از اهمیت اسب در فرهنگ ایرانی دارد. اسب در بازی چوگان همچون سایر عرصه‌های زندگی، یاریگر و همراه انسان است و به مدد اسب است که چوگان‌باز در بازی توفیق می‌یابد. از این رو دقت زیادی در انتخاب و تربیت اسب چوگان صورت می‌گرفت. همچنین به فراهم کردن امکانات لازم برای انجام بازی چوگان کوشش است. مهمترین مورد، توجه به مکان بازی و محیط جغرافیایی است که در رواج بازی و رشد فرهنگی و اجتماعی مردم سهم مهمی ایفا می‌کند. برپایی میادین برای بازی چوگان در محیط‌های شهری و روستایی با آداب نگهداری از زیست بوم آمیخته بود. پاسداری از طبیعت از سیاست‌های کلان دولت‌های ایرانی بوده و در فرهنگ ایران همواره تکریم و تقدیس شده‌است (رضایی، ۱۳۸۷: ۱۹). به طور کلی می‌توان ادعا کرد علت رونق بازی چوگان در میان ایرانیان، رابطه بسیار نزدیک آن با فرهنگ و شیوه زندگی مردم ایران و پاسخگویی به نیازهای آنان بوده‌است. چوگان به عنوان نماد فرهنگی در حافظه تاریخی ایران نقش بسته‌است. از بررسی بازی چوگان در مظاهر متنوع فرهنگی، چنین استنباط می‌شود سنت چوگان، ابزار موثری برای حفظ، توسعه، ترویج و گرامی‌داشت فرهنگ ایرانی

بوده‌است.

۸. نتیجه

تفریح و سرگرمی جزء جدایی‌ناپذیر زندگی بشری است و بخشی از اوقات فراغت جوامع به انجام بازی‌ها اختصاص یافته‌است. بازی‌ها علاوه بر آثار جسمی و روحی و فراگیری مهارت‌ها، با ابعاد پنهان زندگی اجتماعی و فرهنگی مردم پیوند خورده‌اند. بازی‌ها کارکردهای گوناگونی ایفا می‌کنند و بازتاب دانش بومی مردمان نسبت به زیست بوم، سبک زندگی، علائق، روحیات، اخلاق، باورها و ارزش‌های جامعه هستند. ماندگاری برخی از بازی‌های کهن مانند چوگان در طول تاریخ ایران، گواه اهمیت آنها در سنت و فرهنگ جامعه ایرانی است. این بازی در پهنه جغرافیایی وسیعی در بین مردم مناطق ایران بی‌وقفه و به اشکال گوناگون رواج و استمرار داشته‌است. علاوه بر پراکندگی جغرافیایی و تداوم، چوگان در حوزه‌های مختلف میراث فرهنگی ناملموس مانند سنت‌های شفاهی (اشعار و تمثیل‌ها)، رسوم اجتماعی و جشن‌ها (انجام و تماشای چوگان در مناسبت‌ها)، هنرهای نمایشی و موسیقایی، دانش‌های بومی (طراحی و ساخت میدین، شناخت محیط طبیعی و جانوری) و فنون و مهارت‌های مرتبط با صنایع دستی (ابزار و وسایل بازی) نمود یافته‌است. بر این اساس بازی چوگان با بسیاری از عناصر فرهنگ مادی و معنوی گره خورده و معرف فرهنگ سرزمین ایران است.

چوگان از عناصر هویت بخش فرهنگ ایرانی است. چوگان در وجوه گوناگون زندگی ایرانیان اثرگذار بوده‌است. شهرت و نفوذ چوگان در آبادی‌ها و شهرها نشان می‌دهد این بازی در بین اقوام مختلف ایرانی و میان مردم عادی فراگیر بود. مخاطب چوگان تنها، خواص و قشر فرادست جامعه نبوده‌است بلکه در میان عوام و اقشار عادی مردم نیز مورد اقبال بوده‌است. سنت چوگان‌بازی ریشه در فرهنگ مردم ایران داشت و با تغییر حکومت‌ها همچنان اجرا می‌شد و بدون تردید مردم در تداوم و پایداری آن نقش مهمی داشتند. چوگان در واقع با شیوه زندگی و آداب و رسوم ایرانیان تنیده شده‌است و بازتاب اندیشه، روحیات و نگرش ایرانیان به زندگی است که افزون بر تفنن و سرگرمی، پرورش جسم و جان، قدرت، شایستگی و توانمندی خود را در آن جستجو و نمایش می‌دادند. بازی چوگان از چنان اعتباری برخوردار بوده که به عنوان بازی ملی ایرانیان شناخته شده‌است. از دیرباز تاکنون بازی چوگان به عنوان یک بازی اشرافی و شاهانه دانسته می‌شد اما بررسی‌ها نشان می‌دهد که بازی چوگان در میان مردم عادی نیز به دو شکل سواره و پیاده به طور پویا و زنده رواج داشته و محبوب بوده‌است. بازشناسی این بازی در سرزمین پهناور و کهنسال ایران از این منظر اهمیت می‌یابد که در فقدان منابع مکتوب برای ثبت و ضبط بازی‌ها، گردآوری شواهد مربوط به سنت چوگان‌بازی در لایه‌های مختلف میراث ناملموس از جمله در آئین‌های اجتماعی و شفاهی می‌تواند تا حدی خلاء اطلاعاتی در این زمینه را تکمیل کند.

چوگان وابستگی تنگاتنگی با اسب دارد. هم‌بودی انسان با اسب، معرف رابطه متقابل فرهنگ با طبیعت است. محبوبیت چوگان در میان اقوامی که با پرورش اسب سر و کار دارند، موجب گسترش و تداوم این بازی شده است. حتی در بعضی نواحی که مردم به اسب دسترسی ندارند این بازی تنها با داشتن گوی و چوگان به صورت پیاده همانند بازی هاکی برپا می‌شود. به دلیل علاقه شاهان صفوی به بازی چوگان، این دوره نقطه عطفی در گسترش چوگان در ایران به حساب می‌آید. این روند تا حد زیادی به گسترش و احیا این بازی در سایر نقاط ایران انجامید. چوگان در شکل‌دهی منظر فرهنگی آبادی‌ها و شهرها نقش داشته است. شمار فراوان نامگذاری چوگان بر روستاها و مناطق ایران گویای پیشینه کهن، اهمیت و رونق بازی چوگان در مناطق مختلف سرزمین ایران است که در مناسبت‌های مختلف بازی می‌شده است. بنابراین هویت این مکان‌های جغرافیایی با چوگان و ریشه‌های فرهنگ کهن ایران پیوند خورده است. حفظ این جای‌نام‌ها در حقیقت نگهداری هویت مردم و سرزمین ایران است. بازی چوگان در سنت فرهنگی ایران در انحصار دربار و اشراف نبوده و سرگرمی توده مردم نیز محسوب می‌شد. شواهدی که بررسی شد نشان‌دهنده تمایلات و استقبال طبقات اجتماعی نسبت به چوگان است که در شهرها و روستاها امکانات اجرای آن فراهم می‌گردید. شاید گمنامی چوگان مردمی یا عامیانه به علت عدم توجه نویسندگان به ثبت و ضبط چوگان مردم عادی در برابر چوگان درباری بوده است. از این رو برای عوام جامعه در حکم سنتی شفاهی بود؛ میراثی که سینه به سینه منتقل و نسل به نسل در مناسبت‌های مختلف انجام می‌شد. ذات چوگان به عنوان یک بازی جمعی، همبستگی و سرور اجتماعی و روحیه سلحشوری را تقویت می‌کرد و موجب تقویت و انسجام فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در بین جامعه می‌شد. بی‌شک احیا و کاربست بازی چوگان به عنوان نماد و دارایی فرهنگی می‌تواند به حفظ و تداوم این بازی منحصر بفرد بی‌انجامد. در بررسی جای‌نام‌ها ویژگی خاص، انگیزه یا دلیل نامگذاری مکان‌ها از منظر تاریخی و جغرافیایی محل بحث است. اینکه این مناطق در قلمرو جغرافیایی، تاریخی و فرهنگی ایران چه نسبتی با عوامل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دارند و در آن موثر بودند، موضوع بحث مطالعه دیگری است.

تعارض منافع

نویسندگان متعهد می‌شوند مقاله تعارض منافع ندارد.

منابع

- آذرنوش، آذرتاش (۱۳۷۵). چوگان به سبک ایرانی، نامه فرهنگستان، شماره ۲: ۲۹-۲۴.
- آذرنوش، آذرتاش (۱۳۹۲). تاریخ چوگان در ایران و سرزمین‌های عربی، تهران، ماهی.
- آذرنوش، آذرتاش (۱۳۹۴). چوگان، در دانشنامه فرهنگ مردم ایران، زیر نظر محمد کاظم موسوی بجنوردی، جلد سوم، تهران، مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی: ۴۳۹-۴۲۶.
- آشوری، داریوش (۱۳۸۱). سنت و پیشرفت، در سنت و فرهنگ (مجموعه مقالات)، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۲۸-۱۶.
- ابراهیم‌پور، محمدتقی (۱۳۵۳). چوگان، تهران، چاپخانه بانک ملی ایران.
- ابراهیمی نژاد، رضا (۱۳۹۵). گوی و چوگان در گستره تاریخ، فرهنگ و هنر ایران، تهران، کتابسرا.
- ابراهیمی کوهبنانی، مرجان و ابراهیمی کوهبنانی، عبدالحسین (۱۳۹۴). بررسی تحلیلی چوگان در اشعار فارسی با تکیه بر هنر نمودن سیاوش پیش افراسیاب در شاهنامه، فصلنامه پژوهش‌های ادبی و بلاغی، شماره ۱۳: ۱۲۷-۱۱۳.
- اولد، سیلویا (۱۳۸۸). شخصیت‌هایی خارج از متن: تاس موزه ویکتوریا و آلبرت، در زبان تصویری شاهنامه، به کوشش رابرت هیلن براند ترجمه سید داود طبایی، تهران، متن: ۲۱۶-۱۷۹.
- باستانی راد، حسن و مردوخ، دل‌آرا (۱۳۹۲). گونه‌شناسی جای‌نام‌ها در جغرافیای تاریخی ایران، پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، شماره ۱۲: ۵۰-۲۱.
- بلوکباشی، علی (۱۳۸۶). بازی‌های کهن در ایران، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- بهروز، ذبیح (۱۳۴۶). گوی و چوگان در ایران، بررسی‌های تاریخی، شماره ۳ و ۴: ۹۱-۶۵.
- چلبی، اولیا (۱۳۶۴). کرد در تاریخ همسایگان، ترجمه فاروق کیخسروی، ارومیه، صلاح‌الدین ایوبی.
- خسروی، مولود (۱۳۹۹). چوگان و نقش جهان؛ واکاوی دوباره فرهنگ و هویت معماری ایرانی - اسلامی، معماری و شهرسازی ایران، ش ۲: ۲۵۳-۵۷.
- خلیقی، محمود (۱۳۸۱). فرهنگ عامه، خصوصیات، کنش و نقش آن، در سنت و فرهنگ (مجموعه مقالات)، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۱۴۴-۱۳۸.
- دبیرسیاقی، محمد (۱۳۷۵). چوگان، نامه فرهنگستان، ش ۷: ۱۲۷-۱۲۶.
- دریایی، تورج، رضاخانی، خداداد (۱۳۹۷). از جیحون تا فرات، ترجمه مریم بیجوند، تهران، مروارید.
- دلاواله، پیتر (۱۳۷۰). سفرنامه پیتر دلاواله، ترجمه شعاع‌الدین شفا، تهران، علمی و فرهنگی.
- رایینو، یاسنت لویی (۱۳۷۴). ولایات دارالمرز ایران: گیلان، ترجمه جعفر خمami زاده، رشت، طاعتی.
- راوندی، مرتضی (۱۳۶۹). تاریخ اجتماعی ایران، جلد ۷، تهران، نگاه.

رزاقی، محمدابراهیم، مهرباب، قاسم و طهموزت نورایی (۱۳۹۴). بازنمایی گوی و چوگان در ادبیات شعرا (فردوسی، حافظ، نظامی و جامی)، مدیریت ارتباطات در رسانه‌های ورزشی، سال سوم، شماره ۹: ۵۸-۵۲.

رکن‌الدین، عبدالرضا، پورطاهری، مهدی و مهدی درخشان (۱۳۹۹). تحلیلی بر توزیع فضایی بازی‌های بومی و محلی در نواحی روستایی مطالعه موردی: روستاهای بخش خورش رستم شهرستان خلخال، فصلنامه گردشگری و توسعه، سال نهم، شماره اول: ۲۵۱-۲۳۵.

رضایی، جمال (۱۳۸۱). بیرجندنامه، بیرجند در آغاز سده چهاردهم خورشیدی، تهران، هیرمند.

رضایی، رضا، (۱۳۸۷). آیین زیست در ایران باستان، تهران، توس.

ستوده، منوچهر (۱۳۸۵). نامنامه ایلات و عشایر و طوایف (ایران تاریخی و فرهنگی)، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.

سردار اسعد، علیقلی خان (۱۳۹۶). تاریخ بختیاری، تهران، اساطیر.

شاپور شهبازی، علیرضا (۱۳۷۶)، اسب و سواری در ایران باستان، باستان شناسی و تاریخ، سال یازدهم، شماره اول و دوم: ۴۲-۲۷.

ضیاء‌الدینی دشتخاکی، مهدیه و تاج‌الدینی، سکینه (۱۳۹۸). مطالعه تطبیقی دیوارنگاره‌های (شکار، بزم و چوگان) در کاروانسرای گنجعلیخان کرمان و خانه پیرنیا نائین، مطالعه تطبیقی هنر، سال نهم، شماره ۱۸: ۱۸-۱.

علیزاده‌خیاط، ناصر و مهدی رضانی (۱۳۹۵). مضمون‌آفرینی و نمادپردازی از گوی و چوگان در متون منظوم عرفانی، مطالعات زبانی - بلاغی، سال هفتم، شماره ۱۳: ۱۵۸-۱۳۹.

غفوری، فرزاد، اسمعیلی، محسن و پوریا سهرابی (۱۳۹۸). مطالعه تطبیقی همبستگی و قرابت ورزش‌های سنتی و بازی‌های بومی، محلی ایران و چند کشور منتخب جهان، پژوهش‌های کاربردی در مدیریت ورزشی، سال هشتم، شماره ۳: ۸۱-۸۸.

غلامی هوجقان، فاطمه، سید احمدی زاویه، سید سعید و آذرنوش، آذرتاش (۱۳۹۵). مطالعه تغییرات چوب چوگان با استناد بر نگاره‌ها و نسخ خطی دوران سلجوقی و صفوی، مطالعات راهبری ورزش و جوانان، شماره ۳۴: ۲۹-۱.

قاسمیان، فرحناز، غفوری، فرزاد، هنری، حبیب و محمدسعید ذکایی (۱۳۹۸). بررسی نقش فرهنگ قومی در توسعه ورزش همگانی، دوفصلنامه مطالعات فرهنگی اجتماعی حوزه، سال سوم، شماره ۶: ۱۵۷-۱۳۵.

قرنل‌ایاغ، ثریا (۱۳۷۹). راهنمای بازی‌های ایران، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

قمی، حسن‌بن محمد (۱۳۸۹). تاریخ قم، به کوشش محمدرضا انصاری، قم، مرکز قم‌شناسی.

کاشف، میرمحمد (۱۳۷۸). پژوهشی پیرامون بازی‌های بومی و محلی آذربایجان غربی، حرکت، سال اول، شماره ۲: ۶۶-۵۳.

- کرمی چمه، یوسف (۱۳۹۳). بازشناسی چوگان؛ بازی بومی ایران، فصلنامه فرهنگ مردم ایران، ش. ۳۶: ص ۶۷-۵۷.
- میرزا ابراهیم (۱۳۵۵). سفرنامه استرآباد و مازندران و گیلان، به تصحیح مسعود گلزاری، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
- منجم یزدی، ملا جلال الدین محمد، (۱۳۶۶). تاریخ عباسی یا روزنامه ملاجلال، به کوشش سیف‌الله وحیدنیا، تهران، وحید.
- نجفی، مهنام و رضا شکوری، (۱۳۹۹). فهم میدان بر مبنای اطوار معنایی آن، صغه، شماره ۹۰: ۱۲۵-۱۱۳.
- نراقی، حسن، (۱۳۴۸). آثار تاریخی شهرستانهای کاشان و نطنز، تهران، انجمن آثار ملی.
- نصری اشرفی، جهانگیر، الوندی، فرشاد، شیرزادی‌آهودشتی، عباس، بزرگ‌نیا، فرشید، سهرابی، امیر، نوروزی، نشمینه، شهزادی، احمد، و کیلیان، احمد، بزرگ‌نیا، پیمان و شریفی، احمد (۱۳۹۲) *وازیگاه، فرهنگ آئین، بازی، نمایش و سرگرمی‌های مردم ایران*، جلد دوم، تهران، نشر آرون.
- نقوی، محمدرضا، مریدالسادات، پگاه، فتاحی، احدااله، و عبادیان، مهشاد. (۱۳۹۲). ارزیابی جایگاه بازی‌های بومی و محلی در توسعه مناطق روستایی (نمونه موردی دهستان میانکاله شهرستان بهشهر). *برنامه‌ریزی و آمایش فضا (مدرس علوم انسانی)*، ۱۷(۴)، ۱۱۱-۱۲۸.
- نقیب سردشت، بهزاد (۱۳۸۵). *سازشناسی موسیقی کردی*، تهران، توکلی.
- نورایی، الیاس و غفاری، ابوذر (۱۳۹۲). *بازتاب تاریخی-هنری بازی چوگان در شعر فارسی*، فصلنامه علمی تخصصی دری، ش. ۷: ۷-۹.
- ورفی نژاد، سیامک (۱۳۹۴). *بازی‌های محلی کرمانشاه، فصلنامه رشد آموزش تربیت بدنی*، ش. ۵۴: ۳۷.
- هاشمی نژاد، قاسم (۱۳۸۵). *کارنامه اردشیر بابکان از متن پهلوی*، تهران، نشر مرکز.
- Chehabi, H. E., & Guttmann, A. (2002). From Iran to all of Asia: the origin and diffusion of polo. *The International Journal of the History of Sport*, 19(2-3), 384-400.
- Kim, T. S. (2019). Polo: A Cultural Code for Understanding the Silk Road. *Acta Via Serica*, 4(1), 125-146.